

Explaining the social effects of corruption on earth from the legal perspective of Islam and Judaism with a human rights approach

Abstract

Corruption on earth is one of the crimes and sins that have a specific and specific punishment according to the Shari'a and therefore, it falls within the scope of limits (punishments whose quantity and quality are specified in the Shari'a). Corruption on the ground is one of the constrained crimes and is subject to severe disturbance of public order, insecurity or major damage to the physical integrity of individuals or public and private property, or widespread corruption or prostitution. In Judaism, corruption on earth is also highly condemned. In Judaism, the corruptor on earth is considered a crime and the cases of corruption on earth have been identified. Corruption on earth in the field of finance, drug trafficking, killing innocent people for racial discrimination, etc. It is also condemned from a human rights perspective. As all legal systems require legal action against corruptors on earth. If in any religion this foundation is weakened and the perpetrators of corruption are not dealt with. This kind of corruption is rampant and disrupts the political, social and economic system of any country.

Keywords: Corruption on Earth, Islamic Law, Judaism Law, Human Rights.

رویکرد تحلیلی بر جرم افساد فی الارض در نظام حقوقی اسلام و یهودیتفاطمه نیرومند پسند^۱حسام الدین حسینی^۲عبدالجبار زرگوش نسب^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

چکیده

در طول تاریخ مبارزه با فساد همواره در تمام نظام های حقوقی وجود داشته است و در ایران نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و با ماده ۲۸۶ جرم افساد فی الارض به فهرست مجرمانه وارد گردید هر چند در سالیان گذشته مجازات هایی برای فساد تعیین گردیده بوده اما قانون گذار در سال ۱۳۹۲ این نوع جرائم را جدا نمود و مبانی جرائم بر طبق کرامت، عدالت و مصلحت است و منابع آن قرآن، سنت، عقل و اجماع است هدف از پژوهش حاضر رویکرد تحلیلی بر جرم افساد فی الارض در نظام حقوقی اسلام و یهودیت است و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد نتایج بیانگر این است که نظام حقوقی اسلام از اعتدال کافی برخوردار بوده و عاری از خشونت است و مجازات افساد فی الارض در دین یهود سنگین تر از اسلام است و نظام حقوق ایران برای بعضی از جرائم تخفیف قائل شده است ولی در شریعت یهود این گونه نیست، با وجودی که مقنن تخفیف زیادی برای جرائم قائل شده است به نظر نگارنده اگر مقنن جرائمی را که آثار مخرب کمتری دارد سعی کند آنها را از شمول افساد فی الارض خارج سازد تا حقوق ایران مطابق قانون حقوق بشر گردد دین اسلام در بین جهانیان از عدالت کافی برخوردار خواهد شد چون دین اسلام، دین خاتم پیامبران، حضرت محمد (ص) است و حضرت محمد (ص) مایه گشایش، بخشندگی و رحمت است و حق این است که به جهانیان ایشان را به درستی بشناسانیم.

کلید واژگان: افساد، فی الارض، یهود، اسلام، نظام حقوقی

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، fatemeh20211400@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، shesamhosseini@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، A.zargooshnasab@ilam.ac.ir

افساد فی الارض به معنی فسادی است که در زمین واقع می‌شود. از نظر حقوقی فساد و جرم مبتنی بر رفتاری مخالف نظم اجتماعی که قانون آن را پیش‌بینی کرده و مستوجب کیفر دانسته است. از زمان پیدایش انسان جرم‌های مختلفی هم به وقوع پیوسته است که جوامع مختلف بشری به مقابله با آنها پرداخته‌اند اما شیوه مقابله با جرم در زمان‌های متفاوت و در شریعت‌های متفاوت مختلف بوده است. رویکرد اسلام در مورد جرم بر مبنای عدالت و کرامت و مصلحت است و در مورد فساد و جرائم منبع اولیه در شریعت اسلام، قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع می‌باشد؛ در آثار فقها، بابی به «افساد فی الارض» اختصاص نیافته و کمتر تعریفی از فقها در این خصوص وجود دارد که این باعث شده است عده ای بیان کنند که چون فقها افساد فی الارض را بیان ننموده‌اند، پس چنین عنوانی در فقه وجود ندارد. این طور نیست و اگر درست توجه کنیم متوجه این موضوع می‌شویم که درست است فقها بابی برای این عنوان بیان نکرده‌اند لیکن مصادیق زیادی را بیان کرده‌اند از طرف دیگر اختلافی که وجود دارد بین عناوین محارب و افساد فی الارض است. گروهی عنوان می‌دارند که هر محاربی، مفسد فی الارض نیز هست. و گروه دیگر این نظر را دارند که هر دو یک فعل هستند (محاربه با خدا و سعی در ایجاد فساد در زمین)؛ به لحاظ حقوقی، با تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار ماده افساد فی الارض مصوب نمود. با توجه به این ماده جنبه‌های گوناگون جرم «افساد فی الارض» تبیین می‌شود، در شریعت یهود مجازات‌های دین یهود معمولاً در قالب سه دوره زمانی بررسی شده‌اند و هر یک بر محور منابعی است، به گونه‌ای که شامل: الف) دوره کتاب مقدس: در این دوره، که تقریباً بین قرن سیزدهم تا چهاردهم پیش از میلاد را در برمی‌گیرد، کتاب مقدس عبرانی شکل گرفته است. محور اصلی بحث شریعت در کتاب مقدس، اسفار خمسه یا تورات است که به اعتقاد یهودیان از طرف خدا بر موسی نازل شده است. ب) دوره تلمودی: در سال هفتاد میلادی، پس از ویرانی معبد اورشلیم به دست رومیان، دانشمندان یهودی که در اطراف و اکناف پراکنده شده بودند، دست به تدوین «شریعت شفاهی» زدند و کتابی به نام میشنا تألیف کردند. شارحان بعدی یهودی به تفسیر میشنا پرداختند و مجموعه عظیمی را به وجود آوردند که تلمود نامیده شد. تدوین تلمود در اواخر قرن پنجم میلادی به پایان رسید، لازم به ذکر است که تلمود به عنوان منبع اعتبار یهودیت در تمام فرائض تعیین‌کننده ساختار حقوقی آنهاست. طوری که افزون بر وضع مقررات مفصل در مورد شیوه اجرای مجازات تازیانه، تغییرات و اصلاحاتی را نیز در مفهومی که از این مجازات از کتاب مقدس برداشت می‌شود، به وجود آورده است، پژوهش‌های گروهی از محققان نشان می‌دهد که تورات کنونی در طول نسل‌های متمادی پدید آمده پس لزوماً وحی الهی نیست و مؤلفان بشری بسیاری در پدید آمدن آن دخالت داشته‌اند. ج) دوره پس از تلمود: پس از تدوین تلمود، بسیاری از دانشمندان یهودی به شرح و تفسیر شریعت پرداختند که آثار آنان به عنوان مراجعی معتبر در نزد یهودیان باقی ماند. در حال حاضر منبع اولیه مجازات «افساد فی الارض» در دین یهود، عهد عتیق است که به سه فصل تورات (اسفار پنج گانه) نویم (پیامبران) و کتویم (صحیفه‌ها) تقسیم شده است، اما اصول کلی و مبنای شریعت موسی (ع) ده فرمان است که در اسفار پنج گانه تورات، یعنی سفر پیدایش، خروج لاویان، اعداد و تثنیه آورده شده است.

در واقع در دین یهود، مجازات‌های مجازات‌هایی‌اند که تمامیت جسمی مجرم را مورد تعرض قرار می‌دهند. این مجازات‌ها در حقوق کیفری یهود عبارت‌اند از: مجازات سلب حیات (اعدام)، قصاص عضو، تازیانه و نیز مجازات قطع دست. پس در نظام حقوقی یهود چیزی به نام افساد فی الارض نیست و برای مجازات جرم‌ها بر طبق منابعی که دارد تقسیم‌بندی‌های خاصی انجام داده است در هر صورت در این پژوهش با هدف تطبیق نظام حقوقی اسلام و یهودیت در صدد پاسخ به این پرسش است که ماهیت افساد فی الارض در نظام حقوقی اسلام و یهودیت چیست؟ لیکن معطوف بر این فرضیه است که مجازات‌ها در دین اسلام از اعتدال کافی برخوردار است و عاری از خشونت است، اما در دین یهود سنگین‌تر است.

۲- تعاریف

۲-۱- فساد

در ۴۹ آیه از آیات قرآن کریم واژه فساد یا مشتقات فسد به کار رفته است که نشانه اهمیت این موضوع است. (فراهیدی، ۱۹۰۹: ۲۳۱؛ جوهری، ۱۶۲۰، ۲: ۱۲۶؛ ابن منظور، ۱۹۹۷، ۵: ۱۲۸؛ فیروزآبادی، ۱۶۲۶: ۲۷۷). در آیه «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (روم: ۴۱) به معنای قحط و خشکی آمده است و در آیه «للذین لا یریدون علوا فی الأرض ولا فسادا» (قصص: ۸۳) به معنای گرفتن مال دیگری به قهر و غلبه و به صورت ظالمانه و در آیه «لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا» (انبیا: ۱۲۱) به معنای بطلان و اضمحلال به کار رفته است، لیکن قدر جامع همگی آنها تحقق امری بر ضد صلاح و خارج شدن امر از حالت اعتدال است. با توجه به معنای لغوی فساد می‌توان قتل، ظلم، کفر، جنگ، تزییع حقوق دیگران و اختلال در احکام الهی، قوانین و مقررات اسلامی را که همگی ضد اصلاح‌اند، از مصادیق افساد برشمرد. واژه افساد و «فساد» به معنای زوال صورت (خوری، ۱۳۷۶، ۴: ۱۹۳) تغییر، بطلان و اضمحلال (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۶۴: ۵) لهو و لعب (خوری، همان: ۴: ۱۹۳) قحط و خشکی (طریحی، ۱۳۷۵، ۳: ۱۲۱؛ ابن منظور، همان: ۱۲۹) و گرفتن مال به صورت ظالمانه (فیروزآبادی، همان: ۲۷۷) به کار رفته است که همگی اینها از مصادیق معنای نخست (ضد صلاح) است. راغب، فساد را به معنای خارج شدن شیء از حالت اعتدال تعریف کرده است و می‌نویسد: الفساد خروج الشیء عن الاعتدال، قلیلا کان الخروج عنه او کثیره و یضاده الصلاح و یتعمل ذلک فی النفس و البدن و الاشیاء الخارجة عن الاستقامه (راغب، ۱۶۱۲: ۱۳۹). لازم به ذکر است که تعریفی که راغب از فساد ارائه داده است، تعریف جامعی است که مصادیق دیگر فساد را نیز در خود جای داده است.

۲-۲- افساد فی الارض

در مورد مقصود از «فی الارض» دو احتمال وجود دارد: احتمال اول: محل این فساد و ارتکاب آن کره خاکی است فرقی بین بزرگ یا کوچک بودن گناه و در محلی دور از چشم دیگران انجام بگیرد وجود ندارد احتمال دوم این است که قید فی الارض کنایه از گستردگی عمل مرتکب است. این احتمال با برداشت مفسران و فقها هم خوانی دارد و فهم عرفی هم از این عبارت مناسب است. افساد مصدر باب افعال است که به معنی تباه‌سازی می‌باشد و ریشه آن فسد است یعنی ضد صلاح (معین ۱۳۷۷ ج ۱: ۱).

۳۱۶). از بین رفتن، متلاشی شدن، خراب شدن باعث آشوب شدن گفته شده: «فساد ضد صلاح است و بر هر چه که از حالت صالح منفعت آور خود خارج شود گفته می شود فاسد شده» (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۳: ۳۲۵). افساد فی الارض در لغت هم به معنی فاسد کردن، تباه کردن و فتنه آمده است (معین ۱۳۷۷ ج ۱: ۳۱۵). و در اصطلاح یعنی بستن راه و ضرر رساندن است (همان، ۳۱۶) در مورد معنای اصطلاحی افساد فی الارض در کتب فقهی بایی در این مورد نیست.

۳- مبانی نظام حقوقی اسلام

رویکرد نظام حقوقی اسلام نسبت به جرم رویکردی است که بر مبنای عدالت، کرامت و مصلحت است.

۱-۳- عدالت

عدالت از پایه های اصلی اسلام است و بر طبق دستورات اسلام با هیچکس نباید برخلاف عدالت و شئون انسانیت رفتار کرد و نباید نسبت به هیچ فردی ظلم و تعدی روا داشت و قضاوت بین مردم باید براساس عدالت، حق، انصاف و وجدان انجام گیرد. این دستور شامل عدالت اجتماعی، حکومت، قضاوت و حکمیت و اصول مربوط به دادرسی است (تابنده، ۱۳۸۰، ۱۷۷) در منابع دینی اسلام نسبت به عدالت بسیار سخن گفته شده است. در آیات بسیاری واژه عدل به عنوان یکی از ارزشهای اسلام، تاکید زیادی به آن شده است (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱، ۲۶۳). در اصل ۹ قانون اساسی چنین مقرر شده است در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱، ۲۶۳) حضرت علی علیه السلام فرمودند: به عدل و انصاف رفتار کنید، به مردم درباره خودتان حق دهید، پر حوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم تنگ حوصلگی نکنید که شما نمایندگان ملت و سفیران حکومتید (مطهری، ۱۳۸۰، ۷۱۱) عدالت یکی از مهمترین مبانی حقوقی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۱۶) بنابراین کلیه روابط اجتماعی از وضع قوانین گرفته تا اجرای آن باید بر مبنای عدالت باشد.

۲-۳- کرامت

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت و ... (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۶۰۷۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از کرامت ذاتی انسان و احترام به آن، مقررات مختلفی را وضع نموده است، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین (اصل ۲) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین. ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج - نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند (اصل ۶) بنابراین

طبق این اصول هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود (اصل ۳۸) پرونده اصول قانون اساسی و هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد (اصل ۳۳) به همین دلیل، رعایت اصول آیین دادرسی عادلانه و نیز عدالت ماهوی در رسیدگی های کیفری که تضمین کننده امنیت حقوقی - قضایی یا حق بر تأمین افراد است، و جزء اصول بنیادین نظام عدالت کیفری کرامت مدار محسوب می گردد. دادرسی زمانی عادلانه است که به حفظ توازن و ترافع میان مصالح جامعه و متهم بپردازد در ایران تحقق عدالت در دادرسی مربوط به رعایت اصول و قواعدی است که حقوق این اشخاص را نیز تضمین کند (صابر، ۱۳۸۸، ۱۴۵)

۳-۳- مصلحت

مصلحت یعنی «جلب منفعت و دفع ضرر» یکی از مباحث مطرح در شرع و اخیراً حقوق موضوعه تلقی می شود (طاهری و خسروی، ۱۳۹۱، ۱) کلمه مصلحت، اسم مکان به معنی صلاح و در مفهوم مصدری به معنای اصلاح، و مفرد مصالح میباشد که نه تنها در دین اسلام، بلکه در همه ادیان به اشکال و نام های مختلف پذیرفته شده است. از آنجا که نظام ایران نظامی اسلامی است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مادر در نظام جمهوری اسلامی، مصلحت مورد تصریح قرار گرفته است مصلحت در احکام شرعی به عهده شارع مقدس است (همان، ۲)

۴- منابع نظام حقوقی اسلام

۴-۱- قرآن

برای نمونه در آیه ی 42 از سوره ی مائده میفرماید: سَمَاعُونَ لَلْكَذِبِ أَكَالُونَ لَلسُّحْتِ ۖ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ ۗ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُوا شَيْئًا ۗ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ یعنی آنها جاسوسان دروغزن و خورندگان مال حرامند، اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنها بگردان، و چنانچه روی از آنها بگردانی هرگز کوچکترین زیان به تو نتواند رسانید، و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن، که خدا دوست می دارد آنان را که حکم به عدل کنند. در آیه ی 49 همان سوره آمده است: وَأَنْ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (تو ای پیغمبر) به آنچه خدا فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش های ایشان مباش، و ببندیش که مبدا تو را فریب دهند و در بعض احکام که خدا به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند. پس اگر از حکم خدا روی گردانیدند (باک مدار) بدان که خدا می خواهد آنها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند. همچنین در آیه ی 26 سوره ی ص خداوند فرموده است: يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ

الْحَسَابِ (و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.

۲-۴- سنت

حضرت علی (ع) میهمانی را به دلیل اینکه یکی از متخاصمین بود از خانه ی خودش راند، راندن میهمان برای شخصی کریمی مانند علی (ع) بسیار ناگوار بود اما چرا این عمل را انجام داده است زیرا حرمت عدالت در قضاوت بسا پر اهمیت تر از است (بلاغی، ۱۳۶۰، ۱۱).

به روایت ابن خلکان حضرت علی (ع) وقتی برای گرفتن زره خویش که در نزد شخصی یهودی بوده است برای دادخواهی به شریح قاضی مراجعه نمود شریح از باب احترام آن حضرت به پای خاست. شریح قاضی به خاطر احترام به حضرت علی (ع) بلند شد ایشان برای این که توازن در قضاوت رعایت گردد به شریح فرمودند ای شریح این اول جور توست (پاشا، ۱۳۸۳، ۱۵).

همچنین ایشان هنگامی که مالک اشتر را به فرماندهی مصر برگزید در باب آداب دادرسی به او چنین فرمان دادند: برای داوری میان مردم بهترین کس را اختیار نما، کسی که دارای استقلال رای و شخصیت باشد و اصحاب دعوا نتوانند میل خود را بر او به هنگام دادن رای تحمیل نمایند، ولی قاضی هم نباید خودرای باشد و اگر خطایی کرد همین که از آن آگاه شد از آن باز گردد (عبده، ۱۹۹۰، ۶۳۲).

از حضرت علی (ع) در مورد سخن پیامبر (ص) که فرمود: «موی سپید خود را با خضاب کردن تغییر دهید و خود را همانند یهود نسازید» پرسیدند، امام فرمود: «پیامبر این سخن را زمانی فرمود که دینداران اندک بودند، اما اکنون که قلمرو دین گسترش یافته و پایه‌های آن استوار گشته است، هر کس به میل خود رفتار کند» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۷)

امام کاظم (ع) در مورد علت پذیرفتن جایزه‌ای که خلیفه جاثر به وی داد، می‌فرماید: «سوگند اگر این جهت نبود که عزب‌های فرزندان ابوطالب نیاز به ازدواج دارند تا این که نسل آنها منقطع و منقرض نگردد من این جوایز را قبول نمی‌کردم» (حرعاملی، ۱۳۸۱: ج ۱۲، ص ۱۵۹). آیت‌الله خویی در ذیل این روایت می‌نویسد: «از این حدیث استفاده می‌شود که کراهت با هر مصلحتی که در نزد شارع از اجتناب شبیه اهمیتش بیشتر باشد، برداشته می‌شود» (خویی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۵۰۰)

۳-۴- عقل

عدالت مفهومی است غیر قابل دستیابی برای عقل انسان نیست عدالت و مصلحت و کرامت را عقل بشر به طور فطری درک می‌کند و نیازی به گفتن و تعریف کردن دیگران نیست عدالت، هم حسن آن را عقل بشر درک میکند وهم تبیین مفهوم آن برای بشر میسر است و اینکه میگوئیم خدا عادل است، یعنی خدا عقلاً و بالضرورة همان عدلی را که عقل بشری درک میکند

۵-۴- اجماع

فقهای شیعه معتقدند تنها در صورتی می‌توان بر اساس ملاکات احکام فتوا داد که ملاک حکم با تصریح شارع یا با قرائن کلامی متصل یا منفصل احراز شده باشد. به همین خاطر فقیه هرگز نباید در مقام فتوا

دادن بر اساس ظن، احتمال و استحسانات شخصی عمل نماید در برخی موارد در متون شیعه حکم شرعی به صورت کلی روی مصلحت و مفسده یا عناوین مشابه رفته است. در این گونه موارد تشخیص موضوع حکم، منوط به تشخیص مصلحت یا مفسده است، مثلاً در قرآن کریم آمده: «لا تقربوا مال الیتیم الا بائنی هی احسن» (انعام، ۱۵۲). «به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به گونه‌ای که بهترین است». مفسرین و فقها از این آیه استفاده کرده‌اند، در صورتی می‌توان در مال یتیم تصرف نمود که برای وی دارای مصلحت باشد، شرایط قاضی؛ از نظر شرعی قاضی دارای شرایط و صفاتی می‌باشد، اما در صورتی که مصلحت اقتضا کند، می‌توان قضاوت را به فرد فاقد شرایط واگذار نمود همان‌گونه که حضرت علی (ع) شریح قاضی را در منصب قضا ابقا کرد (نجفی، ۱۳۹۲: ج ۴۰، ص ۶۸).

۶- مصادق جرم افساد فی الارض

آیه ۳۳ جزءاً الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا أو یصلبوا أو تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف أو ینفوا من الارض ذلک لهم جزای فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم (مائده، ۳۳) همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود..

طبق آیه ۳۲ سوره مائده، قتل‌های مشروع منحصر به دو عنوان است، قصاص و افساد فی الارض و قتل نفس و اعدام از مصادیق افساد فی الارض محسوب شود. پس، به غیر از قصاص که در آیه شریفه بدان تصریح شده است، سایر مواردی که در شرع وارد شده است، از قبیل رجم در زنا، محصنه، قتل در زنا با محارم، قتل در لواط و مرتد فطری معاند، اعدام پس از اجرای سه یا چهار بار حد شرعی و نظایر آن، از مصادیق مفسد فی الارض محسوب می‌شوند؛ به خاطر این که این گناهان بزرگ موجب برهم خوردن صلاح و سلامت جامعه انسانی می‌شود (فاضل، ۱۴۰۵، ص ۶۳۹).

در اسلام چهار نوع مجازات است که به بررسی آنها می‌پردازیم ۱. حد، حد در لغت به معنی مرز میان دو چیز، جدا کردن چیزی از چیز دیگر، بازداشتن و پایان هر چیز می‌باشد. این مجازات‌ها را از آن جهت حد می‌گویند که جرایم را محدود نماید، یعنی مانع از تکرار جرم هم در مورد مجرم و هم در مورد دیگران گردد.

۲. به دار آویختن به این صورت است که مجرم را به دار می‌بندند، طوری که از دو طرف دست‌هایش بسته شود و سه روز بردار بماند و بعد از سه روز از دار پایین آورده می‌شود و غسل و کفن و دفن می‌شود. اگر بر بالای دار پس از سه روز کشته نشد چه باید کرد؟ شهید ثانی می‌فرماید: اگر زنده است او را می‌کشند (شهید ثانی ۱۴۰۳ ج ۲: ۳۸۶). صاحب جواهر می‌فرماید: دلیلی بر کشتن او نداریم (نجفی ۱۴۱۰ ج ۴۱: ۵۸۹).

اما امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: محارب به طور زنده به دار آویخته می‌شود و ابقای او به طور آویختگی بیش از سه روز جایز نمی‌باشد. سپس پایین آورده می‌شود، اگر مرده باشد غسل و کفن می‌

شود و بر او نماز خوانده می‌شود و دفن می‌گردد. و اگر زنده باشد بعضی گفته‌اند در قتل او تسریع می‌شود ولی این مشکل است؛ البته ممکن است گفته شود که جایز است طوری مصلوب شود که به سبب آن بمیرد، ولی این هم خالی از اشکال نیست (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۹۱ م ۹).

۳. قطع دست و پا به طور مخالف: که دست راست و سپس پای چپ قطع می‌شود. ۴. نفی بلد: که در این مورد بین فقها اختلاف است میان تبعید در زندان و تبعید از شهر محل سکونت.

البته در انتخاب هر کدام از اینها بین فقها اختلاف است البته شدت جرم را هم در نظر می‌گیرند.

امام خمینی (ره) می‌فرماید اگر کشته است قتل یا صلب را اختیار کند، و اگر مال را برداشته است، قطع را اختیار نماید، و اگر فقط شمشیر کشیده و ترسانده، نفی بلد را اختیار نماید (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۸۹۰ م ۵). با بررسی روایت‌ها، به نظر می‌رسد که اگر ترتیب را شرط بدانیم بهتر است؛ یعنی نسبت به مقدار جنایت، حکم را برای جانی در نظر بگیریم (موسوی بجنوردی ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در نظام حقوق ایران مجازات مفسد فی الأرض، قتل، به دار آویختن، قطع دست و تبعید است. و در مجازات هایش کرامت و عدالت و مصلحت را اختیار می‌کند که این مجازات را ماده ۱۹۰ ق.م.ا. اشاره کرده است که در صورتی این مجازات‌ها را به کار می‌برد که مجرم قصد بر هم زدن نظم اجتماعی جامعه اسلامی و آشوب را داشته باشند (حلی، ۱۴۰۷، ۱۴۵) یا قصد براندازی نظام را داشته باشند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۶۴؛ فاضل، ۱۴۰۵، ص ۶۳۸؛ اردبیلی، ۱۴۱۳، فصل فی المحاربه).

نظرات امام راحل به عنوان معمار بزرگ انقلاب و هم فقیه در تشریح افساد فی الارض مفید است امام (ره) در معیار افساد فی الارض مصادیقی عنوان کرده‌اند که در تاریخ هزار و پانصد ساله جامعه اسلامی بی سابقه است ایشان می‌فرمایند:

۱. انهایی که دست به انفجار در جنوب کشور زدند مفسدین فی الارض هستند، چه انهایی که مستقیماً در این گونه اعمال شرکت کردند و چه انهایی که این گونه جریان‌ها را هدایت کرده‌اند و حکم مفسد فی الارض واضح و مبرن است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۲۰۵). و با توجه به شدت جرم با او برخورد خواهد شد چون امنیت در جامعه از اهمیت بالای برخوردار است.

۲. کسانی که اشکار شود که پیشه آنان جمع کردن مواد مخدر و پخش کردن بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض هستند (همان، ج ۱۷، ۱۴۱). کسانی که مواد مخدر پخش می‌کنند ضررهای زیادی به جامعه بشریت وارد می‌کند و زندگی را از هزاران خانواده سلب می‌کنند و بنا به مصلحت جامعه حکم آنها اعدام است در ماده ششم لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال به کار معتادین، مصوب ۱۹ / ۳ / ۱۳۵۹ این گونه بیان شده است: «هر کس تریاک و سایر مواد افیونی مندرج در بند یکم از ماده اول این قانون را وارد کند، بسازد، بفروشد یا در معرض فروش بگذارد، در صورتی که محرز گردد که این کار را عامداً و عالماً انجام می‌دهد، به مجازات اعدام محکوم خواهد شد (روزنامه رسمی، ۱۳۵۹/۵/۱).

۷- افساد فی الارض در شریعت یهود

اما در تورات برای بسیاری از جرایم مجازات اعدام نوشته شده است. ابن میمون تعداد آنها را سی و شش

جرم میداند. (نایم، جادجز سانیه^۱، ۱۳-۱۰) برخی از این جرایم عبارت است از: قتل (اعداد، ۳۱: ۳۵)، آدم ربایی (خروج، ۱۶: ۲۱)، جادوگری، (خروج، ۱۸: ۲۲)، کفر (لاویان، ۱۴: ۲۴)، زنا (محصنه) (لاویان، ۱۰: ۲۰)، زدن پدر و مادر (خروج، ۱۵: ۲۱)، لعن به پدر و مادر (خروج، ۱۷: ۲۱)، مقاربت با حیوان (لاویان، ۱۵: ۲۰-۱۶)، زنا (به عنف) (تثنیه، ۲۵: ۲۲)، زنا با محارم (لاویان، ۱۱: ۲۰-۱۴)، لواط (لاویان، ۱۳: ۲۰)، بت پرستی (لاوان، ۲: ۲۰) حرمت شکنی روز سبت (شنبه) (اعداد، ۳۲: ۱۵-۳۶) و... و شیوه های مجازات اعدام در کتاب مقدس عبرانی و تلمود تا حدودی با هم فرق دارد، در کتاب مقدس، سه شیوه اعدام بیان شده است: سنگسار، سوزاندن، به دار آویختن و در تلمود چهار شیوه اعدام ذکر شده است: این شیوهها به ترتیب شدت از: سنگسار، سوزاندن، گردن زدن، خفه کردن. ربی شیمعون میگوید: سوزاندن، سنگسار، خفه کردن و گردن زدن (میشنا سنهدرین، ۱: ۵) که انتخاب نوع مجازات بستگی به شدت جرم دارد ولی به طور کلی در شریعت یهود ۴ گونه مجازات است که شامل ۱. اعدام ۲. قطع عضو ۳. تازیانه ۴. قطع دست

و در نظام حقوقی یهود مجازاتها شامل: مجازات سالب حیات (اعدام)، قصاص عضو، تازیانه و نیز مجازات قطع دست است به عنوان مثال در مورد مجازات قطع عضو در تورات کسی که همسایه خود را عیب رسانیده باشد چنان که او کرده باشد به او کرده خواهد شد (لاویان، ۲۴: ۱۹-۲۰) ولی در تلمود به نسبت جراحت وارد شده فقط به دیه بسنده شده است. هم در تلمود و هم در تورات مجازات تازیانه بیشتر برای کارت یعنی انقطاع و ریشه کنی استفاده شده است.

همچنین از قطع دست برای تکرار جرم هم استفاده میشود مثلاً اگر کسی شخصی را بزند و چندین بار این عمل را تکرار کرده باشد باید دست او قطع شود (نیدا، ۱۳الف) یا اگر دو شخص با یکدیگر دعوا کنند و زن یکی جلو آید تا شوهر خود را از دست زنده اش رها کند طرف دست خود را دراز کرده، عورت او را بگیرد، پس دست او را قطع کن و چشم تو بر او ترحم نکند (تثنیه، ۲۵: ۱۱-۱۲).

همچنین در شریعت یهود حبس نیز استفاده می شود مانند این که اگر کسی سه بار یا بیشتر مرتکب جرمی شود که مجازات آن کیفر الهی انقطاع (کارت) است به حبس می اندازند. بر طبق میشنا: کسی که دوبار تازیانه خورد برای دوبار قانون شکنی، و باز مرتکب گناه شد دادگاه وی را در سلول انفرادی می اندازد و غذایش نان جو است تا شکمش بترکد (سنهدرین، ۸۱ب (۵۵)) همچنین کس که قتلی را مرتکب شده باشد تا جرم مشخص شود مجرم را به حبس می اندازند اما در تلمود برای بعضی از جرائم برای رعایت حقوق بشر جرم قتل به حبس تقلیل یافته است که عبارتند از جرایم علیه اخلاقیات و قوانین خانوادگی، جرایم علیه اموال و .. است و همچنین بعضی از جرم ها را به تبعید تقلیل داده است و مجازات های مالی را به دیه تقلیل داده است (سلیمانی، ۱۳۷۸، ۱۵).

با توجه به مواردی که گفته شد در این قسمت به بررسی تطبیقی چند نوع جرم و مجازات در دو نظام حقوقی پرداخته می شود.

¹ . Maim, Judges, sanh

۸-مثال هایی از مجرم و مجازات در نظام حقوق اسلام و شریعت یهود

۱-۸-ارتداد

حق این است که اول دین اسلام را بررسی کنیم منتها به دلیل این که مجازات ارتداد در شریعت یهود شدید تر است اول شریعت یهود را مورد بررسی قرار می دهیم قدیمی ترین متن دینی که در آن مجازات شدید سنگسار، مطرح شده، در تورات است که در سفر خروج، باب ۳۲، ضمن بیان غیبت چهل روزه موسی (ع) در کوه طور ونزول الواح، مشتمل بر ده فرمان از ارتداد بنی اسرائیل و کرنش آنان در برابر گوسالهای طلایین حکایت شده و اینکه موسی فرمان قتل عام مرتدان را داده است.

«موسی که چنین دید، جلوی دروازه ایستاد و اعلان کرد که هرکه علاقه مند به خیر است، نزد من جمع شود.» (تورات، سفر خروج، باب ۳۲: ۱۲۸) و فرزندان «لاوی» نزد او جمع شدند. موسی (ع) به آنان گفت: پروردگار خدای یعقوب فرموده است: شمشیرهای خود را باید هر کس آماده سازد و از این دروازه تا دروازه دیگر حرکت کند و هر فرد باید رفیق و برادر و فامیلش را که به این جرم آلوده شده است بکشد (تورات، سفر خروج، باب ۳۲: ۱۳۹) و فرزندان «لاوی» به دستور موسی در آن روز حدود سه هزار تن از بنی اسرائیل را کشتند این فراز و عبارات مشابه دیگری از تورات، مورد استناد دانشمندان یهود قرار گرفته و به استناد آن، مجازات مرتد را سنگسار می دانند (تلمود سهندین ۴۴ الف).

این شدت عمل در کلام یهود، در طول تاریخ چند هزار ساله همچنان بوده است و کمتر فردی از یهودیان درباره تعدیل و اصلاح آن سخن گفته اند (ر.ک: صبری، بیتا: ۲۸۴). البته به نظر نگارنده باید خاطر نشان کنیم که تمام پیامبران الهی برای هدایت انسانها فرستاده شده اند و چنین عملی از شخصی مثل حضرت موسی (ع) بعید است ولی متأسفانه از این روش برای سالیان سال استفاده شده است هر چند که هم اکنون به خاطر حقوق بشر در خیلی از مجازاتها دین یهود تخفیف قائل شده است.

اکنون به بررسی ارتداد در دین اسلام پرداخته می شود دین اسلام آزادی عقیدتی را برای مسلمانان محترم می داند.

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آنها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.) (مائده / ۳۳) بدیهی است که مجازات مرتدان در صورت اقدامات خیانتکارانه، ربطی به مجرمیت عقیدتی مرتدان نداشته و ندارد و مجرم فرقی نمی کند که مسلمان باشد یا غیر مسلمان در صورتی که فساد کنند مجازات آنها حتمی است.

۲-۸-حکم فقها در مورد اعتیاد به کشتن اهل ذمه و عبید:

بعضی از فقها عدم اعتیاد در قتل کافر را مقید کرده اند و گفته اند اگر کسی به قتل اهل ذمه اعتیاد پیدا کند قصاص می شود و در خصوص علت قصاص، بعضی از فقها می گویند که قصاص از باب حد نیست.

ولیکن برخی آن را از باب اجرای حد به واسطه ایجاد افساد می دانند و می گویند: او را به واسطه افساد فی الارض حد می زند (مرعشی نجفی ۱۴۱۵: ۲۶۵).

۳-۸- مجازات جرم آدم ربایی

در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۶۲۱ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، مجازات جرم آدم ربایی ساده، حبس از ۵ تا ۱۵ سال می باشد و در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال یا ربودن با استفاده از وسیله نقلیه باشد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات یعنی ۱۵ سال حبس محکوم خواهد شد شیخ طوسی می گوید که حد قطع دست در آدم ربایی به جهت سرقت کردن نمی باشد که در سرقت، نصاب و حرز و امور دیگر لازم است و بنابراین حد مذکور را از جهت افساد فی الارض می داند (شیخ طوسی ۱۳۴۳: ۲۸).

شهید ثانی نیز همین طور بیان نموده (شهید ثانی ۱۴۰۳ ج ۹: ۱۹۳) و محقق حلی هم می گوید: «دست چنین شخصی به خاطر افساد قطع می شود نه به خاطر سرقت. در کتب اهل سنت هم آمده: «من سرق حرا فباعه و جب علیه القطع لأنه من المفسدین فی الارض» (شیخ طوسی ۱۰۲۷، ۷۲۲). در شریعت یهود نیز اگر ادم شخصی را بدون رضایت بر بایند ادم ربایی محسوب می شود و مجازات آن مرگ است (میشنا، ۳۵: ۳۱).

۴-۸- جادوگری

در نظام حقوقی ایران، جادوگری اولین بار در آیین نامه امور خلافی سال ۱۳۲۴ مورد توجه قرار گرفت و به شرط حرفه قرار گرفتن توسط جادوگر جرم انگاری شد. در سال های اخیر نیز ماده بی در لایحه قانون مجازات اسلامی سحر و جادو را جرم انگاری کرده و مجازات مرگ را برای آن در نظر گرفت که البته ایراداتی اساسی بر آن وارد بود، از جمله عدم تعریف سحر و جادوگری و تعیین دقیق محدوده آن، تعیین مجازات سنگین اعدام برای آن، عدم تعیین کیفر و در واقع عدم جرم انگاری سحر و جادوگری برای غیرمسلمانان و غیره. لازم به ذکر است که سرانجام ماده مذکور از لایحه حذف شد (روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۱۹ به تاریخ ۹۰/۱۱/۱۱) در شریعت یهود جادوگری جرم انگاری شده است و مجازات آن اعدام است.

جرم در حقوق جزای اسلام یعنی رفتار خلاف دستورات شارع مقدس که مبنای نظم عموم را تشکیل می دهد رفتاری که منجر به خوف مردم شود و باعث ایجاد رعب و وحشت گردد افساد فی الارض می باشد مبنای جرم در نظا حقوقی ایران بر حسب کرامت و عدالت و مصلحت است و منابع آن قرآن ، سنت ، عقل و اجماع است به اعتقاد نگارنده وضع اسلام در برابر افساد فی الارض در نظام حقوقی اسلام از اعتدال کافی برخوردار بوده و عاری از خشونت است و مجازات افساد فی الارض در دین یهود سنگین تر از اسلام است مجازات افساد فی الارض در نظام حقوقی اسلام از شدت و حدت کمتری برخوردار است و همچنین تعارض آن با لایحه جهانی حقوق بشر و جز آن کمتر است . به خاطر این که در منشور ملل متحد نیز دفاع از کیان اجتماعی و سرکوب آشوبگران منع نگردیده است و بلکه بدان توصیه شده است. بنابراین، تعقیب آشوبگران داخلی و یا خارجی ، امری است طبیعی در حقوق ایران سعی بر آن شده است که در قالب اصلاح ، شدت عمل، مجازات در برابر افساد را تخفیف بدهد و با محدود نمودن آن بیشترین خدمت را به بشریت و آزادی اندیشه کرده باشد همچنان که بررسی شد جرائم افساد فی الارض در شریعت یهود در خیلی از جرائم شدیدتر از دین اسلام است از جمله ارتداد ، جادوگری که به بررسی آنها پرداخته شد .

در پایان پیشنهاداتی که می توان ارائه نمود این است که :

در جرم انگاری مصادق افساد فی الارض قانون گذار اگر جرائمی را که آثار مخرب کمتری دارد سعی کند انها را از شمول افساد فی الارض خارج سازد تا حقوق ایران مطابق قانون حقوق بشر گردد و این شایعه ها که می گویند دین اسلام دین سختگیری است از بین برود بهتر است زیرا دین اسلام ، دین حضرت محمد (ص) است و تمام مسلمانان بر این جمله اتفاق نظر دارند که حضرت محمد (ص) مایه رحمت و محبت است و روا نیست که دینی که به نام او است با سخت گیری خشن شناخته شود .

منابع و ماخذ

کتاب ها

-قران کریم

- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، اول، ۱۹۹۹، ج ۵، ۳، ۲.
- بلاغی، صدرالدین، عدالت و قضا در اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ص. ۱۱.
- تابنده، سلطانحسین، اسلام و مواردی از اعلامیه حقوق بشر، در بسته نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، ۱۳۸۰، تهران.
- راغب، حسین محمد، المفردات، دمشق، دار القلم، اول، ۱۴۲۴.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه؛ ج ۱۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- حلی، حسنین یوسف، مختلف الشیعه، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۳، ج ۹.
- حلی، جعفر بن الحسن، نکت النهایه، قم، جامعه مدرسین، بی تا، ج ۳.
- جوهری، اسماعیلین حماد، الصحاح، تهران، دار الکتب، اول، ۱۴۲۰، ج ۲، ۶.
- جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، ۱۳۷۵.
- خوری، سعید، اقرب الموارد، نشر دار الاسوه، اول، ۱۳۷۴، ج ۴ و ج ۱.
- خویی، ابوالقاسم: «مصباح الفقاهه»، قم، مطبعه الشهداء، چ دوم، ۱۳۸۲.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۶۸.
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، صحیفه نور، ج ۱۲، نشر تهران ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸.
- سلیمانی، حسین، ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱، سال اول، بهار ۱۳۷۸.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ، ۱۴۰۳.
- عبده، شیخ محمد، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه المعارف، 1990، ۶۳۲.
- علی پاشا، صالح، سرگذشت قانون و مباحثی از تاریخ حقوق، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تابستان، 1383، ۱۹.
- طوسی، محمدبن الحسن، التهذیب، تهران، دار الکتب، چهارم، ۱۳۶۵، ج ۴ و ۷ و ۱۰.
- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیلبن احمد، العین، دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۹، ج ۷.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، تهران، دار الفکر، اول، ۱۴۲۴، ق.

- فاضل هندی، محمدبن الحسن، کشف اللثام، قم، کتابخانه مرعشی، 1405.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) چاپ اول، ۱۳۸۴.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود، قم، دار العلم، اول، ۱۴۱۳.
- مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، قم، ۱۳۸۸، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرموسوی، سید علی؛ حقیقت، سید صادق مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
- نجفی، محمدحسن: جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیه، چ هفتم، ۱۳۹۲ق.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، المكتبة الاسلامیة، ششم، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱ و ۴۳.

مقالات

- صابر، محمود، معیارها و تضمینهای دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۱۷۵-۱۴۳.
- طاهری، محمدعلی؛ خسروی، احمد، مبانی فقهی مصلحت و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله، مطالعات حقوقی دولت اسلامی زمستان ۱۳۹۱، سال اول- شماره ۲ (۴۱ صفحه - از ۱۷۷ تا ۲۱۷).
- محقق داماد، سیدمصطفی، تحولات اجتهاد شیعی: مکتبها، حوزهها و روشها(۵)، اجتهاد بر محور عدالت و کرامت بشر، علمی-پژوهشی (وزارت علوم ISC)، ۱۳۹۰، شماره ۵۶ صفحه - از ۷ تا ۴۰.
- روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۱۹ به تاریخ ۹۰/۱۱/۱۱